

دریچه

گزارشی از جلسه رونمایی «پیاده از تجریش...» رسول رخشا

بگذار هر چه نمی خواهند بگویم

● شرق: رونمایی از مجموعه‌شعر «پیاده از تجریش...» نوشته رسول رخشا بیست‌وهشتم دی در حضور جمعی از اهالی ادبیات از جمله محمود دولت‌آبادی، سیدعلی صالحی، امیر پوریا، اردشیر رستمی، پوریا عالمی و عالیه عطایی در نشر چشمه رایزن برگزار شد.

رسول رخشا در این مراسم به حضور محمود دولت‌آبادی و سیدعلی صالحی اشاره کرد و این حضور را مایه مباهات و افتخار خود دانست. «البته نمی‌خواهم بگویم حضور محمود دولت‌آبادی در جلسه رونمایی کتاب من به‌منتهای رشد ادبی و هنری من است، بلکه

بیشتر به‌معنای تواضع و بزرگواری ایشان است.» او سیدعلی صالحی را نیز شاعری خواند که بر شاعرانه‌نگریستش تأثیر داشته است. محمود دولت‌آبادی در این جلسه گفت: «امروز مطالبی شنیدم که خیلی جالب بود و با خودم فکر کردم که چه حال خوشی دارند دوستان جوان‌تر ما. من با آقا رسول چند سالی هست که آشنا هستیم و او بسیار آدم ظاهر و باطن یکی است و بر شعرهایش تکلیفش با خودش روشن است. اگر در شاعربودن تکلیفت را با خودت روشن نکنی، در یک جایی به مشکل برمی‌خوری و من بر خرمدانگی شاعر تأکید دارم و به‌نظرم، صدق باطن و دانایی نیاز است برای شاعر».

دولت‌آبادی همچنین گفت: «ما نباید این‌قدر کتاب بخوانیم که یادمان برسد چه می‌خواهیم بگویم، یادگیری نه آن است که زیاد کتاب بخوانیم بلکه شیوه خواندن مهم است. دریافت شهودی، خرمدانه‌پرداختن به دریافت شهودی و یادگیری آن است که پدر زبان و ادبیات ما روی آن تأکید زیاد دارد. یادگیری ما را میرا از آگاهی می‌کند.» او اضافه کرد: «انسان بدون آرزوهای بزرگ به رشد نمی‌رسد و آرزو در این زمانه وجود ندارد و منطقی است که چرا وجود ندارد... به آرزوهای بزرگ پشتنی کردند و اینجا آخر تمدن است. دیگر چه وجود ندارد؟ باور وجود ندارد و فروغ انکار برای حالا گفت آنچه از دست رفته است ایمان است. دیگر آنکه آینده وجود ندارد و فقط اکنون است و برای همین است که تصور می‌شود وقتی خیام گفته حد فاصل دو عدم یک کل زندگی است. پس آن را دریاب و همین‌جا خوش بگذران درصورتی‌که منظور خیام این نیست. گرایش به مردم نیز وجود ندارد... در دوره‌ای که وقتی شما شفقت نداشته باشی، آینده و مردم و باور نداشته باشی و آرزوهای بزرگ نداشته باشی، اگر هم چنین کتابی درآمد، باید به او بگویم: آقا دستخوش. پس نیرویی وجود داشته که این اثر را در این شرایط به وجود آورده است. جوانانی که سمت هنر می‌روند خودشان تشخیص می‌دهند که آیا اتفاقی هستند یا نیستند. نصرت رحمانی می‌گوید، بگذار هرچه نمی‌خواهند بگویم/ بگذار هرچه نمی‌خواهیم بگویند/ باران که بیاید از دست چترها کاری برنمی‌آید/ ما اتفاقی هستیم که افتاده‌ایم». در این جلسه همچنین اردشیر رستمی، امیر پوریا و پوریا عالمی درباره این مجموعه‌شعر رسول رخشا و مسائل دیگری در حوزه فرهنگ سخنرانی کردند.

نمایشگاه عکس سهیل بازرگانی در گالری گلستان



● **گروه هنر:** نمایشگاه عکس سهیل بازرگانی از جمعه، ۲۸ دی، در گالری گلستان برگزار شده است و تا سوم بهمن‌ماه ادامه خواهد داشت. بازرگانی درباره نمایشگاه اخیرش نوشته است: «حدود ۱۰ سال پیش از این، سوزه‌ای بنهان در پیج‌وتاب فرم و رنگ‌ها و فراوانی درختان تهران مرا واداشت که بایستم... بی‌آنکه گزینشی آگاه به کار باشد، «تم» عکس‌هایم، فرم و شکل و رنگ‌هایی شد، که به گمان و خوانش شخصی از عکس‌هایم، پژواک سوبه‌ای از سوبه‌های گوناگون تجربه و عاطفه انسان است، که تن و جان موجودی «نانسان»، بازخوانشش را فراهم آورده.

اما «... درختان تهران»:

این اسم از دریافتی پسین آمد. نقش‌ها، فرم‌ها و رنگ، خراش‌های نابکاری هستند که زمینه آهن و آسفالت بر تن درختان کشیده، در جغرافیا و شهرهای دیگر یافتن سوزه برابم بسیار بسیار سخت‌تر بود، در برابری با تهران می‌شود گفت بیرون از تهران این همه فراوان نبود، در سفرها دانستم چنین است، عکاسی در تهران برابم شد؛ جست‌وجو و یافتن نوشته‌های سرمدی در شهری کهن! این نمایشگاه جمعه تا سه‌شنبه از ساعت چهار الی هشت و چهارشنبه‌ها از ساعت چهار الی هشت میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

هنر

درباره بازیگری حسین محب‌اهری

آغوش تئاتر برای او باز بود

کاظم هژیر آزاد، بازیگر و منتقد



عکس: علی‌علی حسینی

یاد دوست
در سوگ حسین محب‌اهری
باید کاردرمانی شود
کار بسم‌الله! لااِک‌دار به محض بی‌کاری به سراغم می‌آید». درست می‌گفت حسین، بی‌کاری برای کسی که می‌تواند خلق کند و بیافریند، شیخ مرگ است! مریم کاظمی این را فهمیده بود که حسین باید کاردرمانی بشود! در هر فرصتی در این سال‌ها حسین را با خود به درمانگاه صحنه برد. شهرام کرمی و بسیاری دوستان دیگر هم آشکار و پنهان هوابش را داشتند، اما دیو بی‌کاری و سرطان زورش از همه بیشتر است!

نمی‌دانم چطور شد که در چندسال اخیر، حضور او در تلویزیون کم‌رنگ شد. شاید برای حضور چهره‌های نو و سوزه‌های جدید، ولی آغوش صحنه تئاتر برای پذیرفتن او همچنان باز بود. آن‌قدر فعال بود که به نظر می‌رسید برایش

عکس: سیدرضا حسینی

تراژدی، ملودرام، تاریخی و مذهبی دیده می‌شد. بی‌شک یکی از امتیازاتی که حسین را به بازیگری همه‌فن‌حریف و مقبول کارگردان‌های تلویزیون تبدیل کرده بود، همان سوبلسی بود که کارگردان ما به آن اشاره داشت.

عکس: سیدرضا حسینی

آنجا که زاور بخشیده می‌شود؛ زاور به خاطر شرایط زندگی هرگز صلح را فرارنگفته، او قربانی اخلاق عدالت‌محوری است که دکماتیس‌م را در پی دارد؛ اخلاقی از منظر مفهوم مردسالار در جامعه فمینیستی.

اینجا عدالت یعنی قانون حرف اول و آخر را می‌زند! اما قانونی که در جامعه‌ب‌ورزوازی و سرمایه‌داری منجر به دستگیری دزد خرده‌پا شده و بورژوا در قانون محق دانسته می‌شود آنجا که دزد بورژوا اجازه هر رفتاری با فائتین را به خود می‌دهد و پلیس او را انسانی محترم می‌شمارد و باز فائتین مورد عتاب قرار می‌گیرد.

حال آنکه در اصل طبقه کارگر نیازمند همدلی است و زاور که در زندان تولد یافته و با قوانین خشک پرورش یافته، نمی‌تواند صلح و بخشش را بپذیرد و خودکشی می‌کند و این اوج اضمحلال این اخلاق عدالت‌محور است.

صحنه دیگری که نگاه نهیلیست را نشان می‌دهد آنجاست که فائتین مو و دندان‌هایش را می‌فروشد و همین نگاه مردسالارانه است که موجب می‌شود فائتین در اوج نیاز ناچار به تن‌فروشی شود و نه تنها از جسم زنانه بلکه زیبایی‌ها و از دندان‌هایش بگذرد. گویی می‌خواهد یادآوری کند آنکه نانی برای خوردن ندارد، دندانی هم نمی‌خواهد و دندان‌هایش به حراج گذاشته می‌شود.

این اخلاق عدالت‌محور در جامعه سرمایه‌داری گریانگیر زنان جامعه می‌شود و فائتین و دوستانش عاشق می‌شوند اما چون متعلق به طبقه پرولتاریا هستند بر عشق آنها هرگز وقعی نهاده نمی‌شود.

پدر کوزت هرگز او را به فرزندی نمی‌پذیرد چون بر این باور است که فائتین همسری یک‌شبه است و



عکس: سیدرضا حسینی

زیر آسمان فیروزهای

رونمایی کتاب «مجموعه خصوصی لیلی گلستان» در سام‌سنتر



● **گروه هنر:** چهارم بهمن کتاب تازه و متفاوتی از لیلی گلستان به نام «مجموعه خصوصی لیلی گلستان» رونمایی می‌شود. نشر چشمه و مؤسسه هوم، آیین رونمایی و جشن

امضای این کتاب را که دربرگیرنده نقاشی، عکس و مجسمه‌های مجموعه خصوصی لیلی گلستان است، عصر چهارم بهمن در مجتمع سام‌سنتر برگزار می‌کنند. لیلی گلستان دراین‌باره گفت: «تصمیم گرفتم مجموعه هنرهای تجسمی‌ام را کتاب کنم. تا‌به‌حال در ایران هیچ مجموعه‌داری آثارش را در قالب کتاب نمایش نداده است. با خیلی‌ها صحبت کردم که بایاید همه این کار را بکنند، خیلی‌ها گفتند ما دوست نداریم مردم بدانند ما چه چیزهایی داریم. این حرف برابم خیلی عجیب بود. به نظر مردم باید بدانند که سهراب سیهری، زنده‌رودی و سایر هنرمندهای مهم، چه کارهای دیگری کرده‌اند که هنوز کسی ندیده است. این کارها در خانه من است و دیده نشده و فقط کسانی که به خانام آمده‌اند اینها را دیده‌اند. باید همه این آثار را ببینند. من فکر کردم حتما این کار را انجام دهم. بالا‌آره با نشر چشمه وارد صحبت شدم و این اتفاق افتاد. خیلی با من همراهی کردند و واقعا درست و حرفه‌ای رفتار شده.گلستان با اعلام اینکه در این کتاب ۱۳۳ کار چاپ شده است، افزود: «این کتاب دو مقدمه دارد؛ یکی مقدمه خودم و یکی مقدمه دکتر مجابی که خیلی جذاب نوشته و تاریخ مجموعه‌داری در ایران را روایت کرده‌اند».مدیر گالری گلستان وجه تشخیص دیگری از این کتاب را این‌گونه شرح می‌دهد: «مشخصه جالب این کتاب این است که من برای هر اثر یک یادداشت چندخطی نوشته‌ام. آیین رونمایی و جشن امضای کتاب «مجموعه خصوصی لیلی گلستان» عصر پنجشنبه، چهارم بهمن، ساعت ۱۶ تا ۲۰ در مجتمع سام‌سنتر، واقع در الهیه، خیابان فرشته، طبقه اول، مؤسسه هوم برگزار می‌شود.

تمدید مجدد اجرای اپرای حلاج

● **گروه هنر:** پروژه «حلاج» به سرانجامی، آهنگ‌سازی و خوانندگی پرواز همای، بهمن‌ماه برای چندمین بار اجرا خواهد شد.این پروژه برای اولین بار در کاخ سعدآباد روی صحنه رفت. کنسرت در تابستان امسال سه بار به دلیل استقبال مخاطبان تمدید شد و در نهایت مجددا برای سه تا پنجم بهمن‌ماه برگزار خواهد شد؛ اما این بار اجرا در تالار وحدت روی صحنه خواهد رفت.این پروژه اولین تجربه همای در این حوزه نیست. او پیش‌ازاین پروژه‌های فراوانی مانند «موسی و شبان» و «شرف و عقل» را با همراهی گروه مستان روی صحنه برده است. همچنین به‌زودی این پروژه به‌صورت صوتی و تصویری منتشر و روانه بازار موسیقی خواهد شد.پرواز همای پیش‌تر درباره این پروژه گفته است: در فضای کنونی داستان «حلاج» برابم مناسب‌ترین اثر برای اجرا بود؛ ضمن اینکه همواره برابم آسان‌تر است که ایده‌های خود را در محویت باشد. اگر کارگردانی و نویسندگی را به شخص دیگری می‌سپردم، سه فکر و سه زاویه دید متفاوت اعمال می‌شد که کار را با دشواری بیشتری مواجه می‌کرد؛ ضمن آنکه ما در ایران، کارگردان ایرا و ایزدیار که هیچ آواز موسیقی نمی‌دانند، انتخابی اشتباه بوده است.

جا دارد از بازی خانم سحر دولتشاهی و هوتن شکبیا در نقش روح تارادیه تقدیر به عمل آید. به نظر می‌رسد هوتن شکبیا و خانم دولتشاهی خود به عنوان هنرمندانی قابل در صحنه ظاهر شده‌اند و همین بازی‌گرفتن از هنرپیشه و بازی تارادیه مهارت کارگردانی نبوده است.

امیرحسین فتحی اگرچه نسبت به ماریوس دارای نقش فرعی بوده اما حرکات و جلوه‌گری بیشتتری داشته و در ایفای نقش خود اغراق داشته که این به نظر ایراد کارگردانی می‌آید. ج‌ا دارد از زحمات بانو اصحایی در نقش جوانی کوزت و مهرداد بابایی در نقش اسقف و خوانش آنها تقدیر به عمل آید؛ بانو اصحایی به‌مراتب اجرای بهتری نسبت به خانم ایزدیار ارائه داده‌اند.

موسیقی تئاتر به رهبری بردیا کیارس بسیار قدرتمندتر و حتی برتر از اصل تئاتر ظاهر شده و آنچه قیمت این بلیت را برای اجرا ارزشمند می‌کرد، بیش از خود تئاتر زحمات گروه موسیقی بوده که ما را به شنیدن موسیقی فاخر و نه گیشه‌ای دعوت می‌کرد.

آوا‌هایی که در نمایش از زبان بازیگران خوانده می‌شد، نه آواز نه شعر و نه حتی سجع بوده بلکه همان نوشتار عادی فیلم‌نامه بوده که تلاش می‌کردن تا آهنگین و به آواز بخوانند و در بسیاری از موارد به‌خصوص هنگامی که دو نفر بنا بود تا روبه‌روی هم شروع به خواندن کنند، تداخل خوانش در اشعار دیده می‌شد که علاوه بر ایراد نوشتار نقش‌ها جزء عیوب کارگردانی به حساب می‌آید.

در رابطه با کودکی کوزت باید از بازی هنرمند دسرسل و آوازخوانی‌اش تقدیر به عمل آورد که اگرچه نقشی کوتاه در اجرا بر عهده داشت اما بسیار ژوست و کوک آوازهایش را اجرا کرده و در تمام مدت اجرا با نیم‌نگاهی به رهبر ارکستر (بردیا کیارس) اجازه خواندن و اجرا می‌گرفت در پایان امیدوارم جناب آقای پارسلای در کارهای بعدی موفق بوده و اجراهایی موفق‌تر رو به پیشرفت را از ایشان شاهد باشیم.

